



کاربرد نظریه بومرنگ در حمایت از قربانیان خشونت جنسی در آمریکا



دکتر محمد داوند* - دکتر محمد رضا انجم شعاع**

This is an [open access](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

خشونت جنسی علیه زنان در ایالات متحده به‌عنوان نقض حقوق بشر، نیازمند رویکردهای نو برای تقویت حمایت از قربانیان و جلوگیری از پیامدهای منفی اجتماعی است. این پژوهش به این پرسش اصلی می‌پردازد که نظریه بومرنگ چگونه می‌تواند پدیده حمایت ناکافی یا واکنش‌های منفی به قربانیان خشونت جنسی را از منظر حقوق بشر تبیین کند و چه راهکارهایی برای تقویت حمایت مؤثر بر اساس اصول حقوق بشر ارائه دهد؟ روش پژوهش مقاله، تحلیلی-تبیینی است و چارچوب نظری بر پایه نظریه بومرنگ در زمینه حقوق بشر استوار است که توضیح می‌دهد چگونه تلاش‌های حقوقی و کارگزاری‌های حمایتی، در صورتی که به‌عنوان تهدید علیه آزادی‌های فردی یا فرهنگی تلقی شوند، می‌توانند به تقویت نقض حقوق بشر منجر شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که پیام‌های حمایتی مبتنی بر حقوق بشر، در مواردی که اجباری یا کنترل‌کننده به نظر برسند، اثر معکوس (بومرنگ) ایجاد می‌کنند و حمایت از قربانیان را کاهش می‌یابد؛ در مقابل، رویکردهای مبتنی بر اصول جهانی حقوق بشر مانند همدلی و مشارکت داوطلبانه، ظرفیت بالاتری برای افزایش حمایت دارند. فردگرایی افراطی، نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و حاکمیت رویکردهای حکومتی بدون مشارکت جامعه مدنی، از موانع اصلی تحقق حقوق بشر قربانیان خشونت جنسی در آمریکا هستند و محدودیت در دسترسی به داده‌های حقوقی بین‌المللی و تمرکز بر مطالعات نظری بدون داده‌های میدانی، مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش به‌شمار می‌روند.

کلیدواژگان

نظریه بومرنگ، واکنش روانی، خشونت جنسی، حمایت از قربانیان، حقوق بشر، زنان، آمریکا.

مقدمه

خشونت جنسی علیه زنان در ایالات متحده آمریکا یکی از بارزترین مصادیق نقض فاحش حقوق بشر

* گروه معارف اسلامی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل: davand@iauk.ac.ir
** دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ طلبه سطح ۴ حوزه علمیه خراسان.

به شمار می‌رود که ابعاد گسترده‌ای از جمله تجاوز کامل و ناتمام، زن‌کشی، قاچاق انسان و تجارت جنسی، قطع اندام جنسی زنان^۱ و کودک‌همسری را دربرمی‌گیرد. بر اساس گزارش‌های معتبر، از هر شش زن آمریکایی، یک نفر در طول زندگی خود مورد تجاوز کامل یا ناتمام قرار گرفته است (RAINN, 2024)؛ روزانه حدود سه زن توسط شریک جنسی خود به قتل می‌رسند (Sanctuary for Families, 2023)؛ بیش از ۲۴۰ هزار زن و دختر قربانی برده‌داری جنسی هستند (DeliverFund, 2024)؛ بیش از ۵۰۷ هزار دختر در معرض خطر قطع اندام جنسی قرار دارند (Mather & Feldman, 2016)؛ و بیش از ۲۰۰ هزار کودک بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ مجبور به ازدواج شده‌اند (Equality Now, 2023). این آمارها، علی‌رغم پیشرفت‌های حقوقی و کمپین‌های گسترده حقوق بشری، نشان‌دهنده تداوم نقض سیستماتیک حقوق زنان و دختران در آمریکا هستند که با اصول کرامت انسانی، عدم تبعیض و حمایت از قربانیان مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، کنوانسیون حذف کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^۲ و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر در تعارض آشکار قرار دارند.

با وجود تلاش‌های گسترده‌ای مانند جنبش MeToo، برنامه‌های پیشگیری دانشگاهی مبتنی بر Title IX و کمپین‌های آگاهی‌رسانی سازمان‌های بین‌المللی (مانند گزارش‌های دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل) شواهد نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی از قربانیان گاهی کاهش می‌یابد و واکنش‌های منفی مانند انگ‌زنی به قربانی،^۳ آنکار مشکل یا حتی عکس‌العمل شدید فرهنگی افزایش می‌یابد (Malamuth et al., 2018؛ Spikes & Sternadori, 2018). این پدیده متناقض، که در آن تلاش‌های حمایتی به جای تقویت حمایت، منجر به کاهش آن می‌شوند، نیازمند تبیین نظری است. نظریه بومرنگ،^۴ بر پایه نظریه واکنش روانی^۵ (Brehm, 1966)، توضیح می‌دهد که پیام‌های اجباری یا کنترل‌کننده، با تهدید آزادی فردی یا فرهنگی، مقاومت ایجاد کرده و نگرش‌های مخالف را تقویت می‌کنند (Wicklund, 1974). این نظریه، که ابتدا در روانشناسی اجتماعی توسعه یافته، در حوزه حقوق بشر نیز کاربرد دارد و می‌تواند واکنش‌های منفی به کمپین‌های حمایتی را تبیین کند.

ضرورت پژوهش حاضر از آنجاست که علی‌رغم حجم گسترده کمپین‌های حقوق بشری در آمریکا، درک اساسی پویایی‌های روانشناختی این واکنش‌های منفی محدود است. تحلیل اثر بومرنگ از منظر حقوق بشر نه تنها به توضیح حمایت ناکافی کمک می‌کند، بلکه امکان ارائه راهکارهای عملی برای تقویت حمایت پایدار بر اساس اصول جهانی حقوق بشر را فراهم می‌سازد.

اهداف پژوهش به این شرح است: تبیین پدیده واکنش‌های منفی به قربانیان خشونت جنسی با استفاده از نظریه بومرنگ در چارچوب حقوق بشر؛ شناسایی عوامل ایجاد اثر بومرنگ در کمپین‌های حمایتی؛

¹. FGM

². CEDAW

³. Victim Blaming

⁴. Boomerang Effect

⁵. Psychological Reactance Theory

ارائه راهکارهای عملی مبتنی بر اصول حقوق بشر برای پیشگیری از اثر بومرنگ و افزایش حمایت مؤثر. پرسش‌های پژوهش عبارت‌اند از: پرسش اصلی اینکه نظریه بومرنگ چگونه می‌تواند پدیده حمایت ناکافی یا واکنش‌های منفی به قربانیان خشونت جنسی در آمریکا را از منظر حقوق بشر تبیین کند؟ و پرسش‌های فرعی اینکه چه عواملی باعث ایجاد اثر بومرنگ در کمپین‌های حقوق بشری می‌شوند؟ و چگونه می‌توان با رویکردهای مبتنی بر اصول جهانی حقوق بشر از آن پیشگیری کرد؟ در ادامه مقاله، ابتدا مرور ادبیات و چارچوب نظری ارائه خواهد شد، سپس روش‌شناسی، یافته‌ها، بحث و راهکارها و در نهایت نتیجه‌گیری و پیشنهادها بررسی می‌گردند.

۱- ادبیات و نوآوری

پژوهش‌های پیشین در حوزه خشونت علیه زنان در ایالات متحده، عمدتاً بر پایه تحلیل‌های آماری و توصیفی تمرکز داشته‌اند و تصویری روشن از گستردگی این مسأله ارائه می‌دهند. برای نمونه، اتحادیه ملی مبارزه با خشونت خانگی گزارش می‌دهد که از هر سه زن، یکی قربانی خشونت می‌شود و از هر هفت زن، یکی توسط شریک صمیمی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد (National Coalition Against Domestic Violence, 2024). سازمان ملی حمایت از زنان نیز، بر اساس بررسی‌های اجتماعی-آماری، اعلام کرده که در سال ۲۰۰۵ بیش از هزار زن توسط شریک صمیمی خود به قتل رسیده‌اند (National Organization for Women Foundation, 2024). این آمارها نشان‌دهنده الگوهای پنهان خشونت هستند که اغلب کمتر گزارش می‌شوند.

عفو بین‌الملل ایالات متحده،^۱ با بیش از یک میلیون عضو در ۵۰ ایالت، با استناد به گزارش شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱، به افزایش آمار خشونت از سال ۱۹۹۸ اشاره می‌کند. برای مثال، در سال ۲۰۰۸، حدود ۵۰۰ زن هر روز قربانی تجاوز جنسی^۲ بوده‌اند؛ جرمی که بسیار رخ می‌دهد اما کمتر گزارش می‌شود و حتی در صورت گزارش، پیگرد قانونی^۳ آن محدود است (Amnesty International, 2011). این پژوهش‌ها پیشنهاد می‌کنند که با رویکردهای کمی،^۴ می‌توان رفتارهای گزارش‌دهی^۵ و عدم گزارش‌دهی^۶ را بهتر مدل‌سازی کرد و ساختارهای نهفته در خشونت خانگی^۷ را

¹ National Coalition Against Domestic Violence

² intimate partner

³ National Organization for Women

⁴ Amnesty International USA

⁵ sexual assault

⁶ prosecution

⁷ quantitative approaches

⁸ reporting behaviors

⁹ non-reporting

¹⁰ domestic violence

کشف کرد. مؤسسه تحقیقات سیاست زنان بر موضوعاتی مانند خشونت علیه شریک صمیمی، تجاوز و خشونت جنسی، آزار و اذیت در محل کار^۱ و قاچاق زنان شمرکز دارد و تأکید می‌کند که این آزارها فضای شغلی را برای زنان پرتنش و زیان‌بار کرده است؛ به طوری که زنان سالانه حدود هشت میلیون روز کاری را از دست می‌دهند. این مؤسسه خود را به عنوان اندیشکده پیشرو در تحلیل کمی و کیفی^۲ سیاست‌های عمومی مرتبط با زنان معرفی کرده است (Institute for Women's Policy Research, 2024). رویترز،^۳ به عنوان بازوی رسانه‌ای شرکت تامسون رويترز با میلیاردها مخاطب جهانی، در گزارشی با عنوان «اپیدمی مرگبار آمریکا: خشونت علیه زنان»^۴ در سال ۲۰۲۲، اشاره می‌کند که زنان رنگین‌پوست و بومی^۵ بیش از دیگران قربانی خشونت جنسی و قتل هستند. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، از هر ده زن مقتول، نه نفر توسط فردی آشنا به قتل رسیده‌اند (Reuters, 2022). این گزارش‌ها گرچه مفید هستند، اغلب بر آمار خام تمرکز دارند و کمتر به جنبه‌های روانشناختی و فرهنگی می‌پردازند. با وجود ارزشمند بودن پژوهش‌های پیشین، این آثار عمدتاً به توصیف آمار و روندها بسنده کرده‌اند و کمتر به تحلیل‌های نوآورانه مانند ترکیب روانشناسی اجتماعی^۶ با چارچوب‌های حقوق بشر پرداخته‌اند. نوآوری این پژوهش در ارائه یک تحلیل کاربردی از واکنش‌های منفی به کمپین‌های حمایتی است که با بهره‌گیری از مدل‌های مفهومی تازه، عوامل پنهانی مانند مقاومت فرهنگی^۷ و کاهش حمایت اجتماعی^۸ را کاوش می‌کند. این رویکرد، با تکیه بر داده‌های ثانویه از سازمان‌های بین‌المللی و گزارش‌های رسانه‌ای، راهکارهای عملی مبتنی بر اصول جهانی حقوق بشر را پیشنهاد می‌دهد نکته‌ای که در مطالعات قبلی کمتر دیده شده است. باید به نکته توجه کرد که حقوق بشر بر پایه اصولی همچون کرامت ذاتی انسان‌ها و برابری حقوق تمام افراد بنا شده و اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بین‌المللی مرتبط، هرگونه تبعیض از جمله بر اساس جنسیت و گرایش جنسی را ممنوع و حقوق مساوی برای همگان را مورد تأکید قرار داده است (Ghavami Pour and Mahmoudi, 2024: 111). این نوآوری،

¹ Institute for Women's Policy Research

² intimate partner violence

³ sexual violence

⁴ workplace harassment

⁵ women trafficking

⁶ quantitative and qualitative analysis

⁷ Reuters

⁸ America's Deadly Epidemic: Violence against Women

⁹ women of color and indigenous women

¹⁰ social psychology

¹¹ cultural resistance

¹² social support decline

پژوهش را از حالت توصیفی صرف به سمت مدل‌سازی کاربردی^۱ هدایت می‌کند و درک بهتری از پویایی‌های خشونت جنسی در زمینه آمریکایی فراهم می‌آورد، در حالی که خواننده را با زبانی روان و جذاب همراه می‌سازد.

۲- مبانی نظری

مبانی نظری پژوهش حاضر بر پایه نظریه بومرنگ^۲ در چارچوب روانشناسی اجتماعی و کاربرد آن در کمپین‌های حقوق بشری استوار است. این نظریه، که ریشه در نظریه واکنش روانی^۳ جک برم (Brehm, 1966) دارد، توضیح می‌دهد که چگونه تلاش‌های اقناعی برای تغییر نگرش یا رفتار، زمانی که به عنوان تهدید علیه آزادی فردی یا انتخاب شخصی تلقی شوند، می‌توانند اثر معکوس ایجاد کنند و نگرش‌های اولیه (مانند نگرش‌های منفی یا انگ‌زنی به قربانی) را تقویت نمایند. اصول اصلی نظریه بومرنگ عبارتند از: (۱) تهدید به آزادی^۴، (۲) برانگیختگی واکنش روانی^۵، (۳) تلاش برای بازگرداندن آزادی^۶، (۴) اثر معکوس یا بومرنگ^۷ که منجر به تقویت نگرش مخالف پیام می‌شود (Brehm & Brehm, 1981; Quick et al., 2012).

در زمینه حقوق بشر و حمایت از قربانیان خشونت جنسی در آمریکا، نظریه بومرنگ توضیح می‌دهد که چرا برخی کمپین‌های حقوق بشری و آگاهی‌بخشی (مانند برنامه‌های پیشگیری دانشگاهی یا پیام‌های رسانه‌ای مستقیم) نه تنها حمایت اجتماعی از قربانیان را افزایش نمی‌دهند، بلکه گاهی به کاهش همدلی، افزایش انگ‌زنی به قربانی یا تقویت نگرش‌های سنتی جنسیتی منجر می‌شوند. این اثر معکوس به ویژه در جوامع فردگرا مانند آمریکا برجسته است، جایی که پیام‌های دستوری، اجباری یا کنترل‌کننده (مانند تأکید بیش از حد بر «مسئولیت فردی قربانی» یا زبان الزام‌آور مبتنی بر کنوانسیون‌های بین‌المللی) آزادی فردی را تهدید کرده و واکنش روانی ایجاد می‌کنند (Ringold, 2002; Wolburg, 2006).

ریشه‌های نظری بومرنگ ابتدا در مطالعات روانشناسی اجتماعی برای تحلیل کمپین‌های سلامت عمومی (مانند پیشگیری از سیگار یا الکل) به کار گرفته شد، اما کاربرد آن به حوزه‌های اجتماعی و حقوق بشر گسترش یافته است. برای مثال، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که پیام‌های پیشگیری از خشونت جنسی که مستقیم و کنترل‌کننده هستند (مانند «همیشه نه بگوید» یا تأکید اجباری بر رفتارهای پیشگیرانه)، در گروه‌های هدف (به ویژه مردان جوان) می‌توانند حمایت از قربانیان را کاهش دهند و نگرش‌های منفی مانند پذیرش اسطوره‌های تجاوز^۸ را تقویت کنند (Bessarabova et al., 2015; Quick).

¹. applied modeling

². Boomerang Effect

³. Psychological Reactance Theory

⁴. perceived threat to freedom

⁵. reactance arousal

⁶. restoration of freedom

⁷. boomerang effect

⁸. rape myth acceptance

MeToo & Bates, 2010). در مقابل، پیام‌های غیرمستقیم، روایت‌محور و مبتنی بر همدلی (مانند کمپین MeToo) که بر روایت شخصی قربانیان تمرکز دارد) کمتر تهدید به آزادی ایجاد کرده و حمایت را افزایش می‌دهند.

این نظریه با اهداف پژوهش حاضر هم‌خوانی کامل دارد: تبیین پدیده حمایت ناکافی یا واکنش‌های منفی اجتماعی به قربانیان خشونت جنسی در آمریکا از منظر حقوق بشر و ارائه راهکارهایی برای طراحی کمپین‌های مؤثر بدون ایجاد اثر بومرنگ. خشونت جنسی به عنوان نقض حقوق بشر (بر اساس اسناد سازمان ملل مانند CEDAW^۱ و گزارش‌های Human Rights Watch) نیازمند کمپین‌های حمایتی است، اما نظریه بومرنگ هشدار می‌دهد که رویکردهای کنترل‌کننده می‌توانند ناخواسته نقض حقوق (مانند کاهش حمایت از قربانیان) را تقویت کنند. بنابراین، چارچوب نظری پژوهش بر ادغام اصول بومرنگ با حقوق بشر تمرکز دارد: تأکید بر آزادی فردی به عنوان بخشی از کرامت انسانی (ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر)، و پیشنهاد رویکردهای مشارکتی و داوطلبانه برای جلوگیری از واکنش روانی.

در کنار نظریه اصلی برم، مطالعات معاصر کاربرد بومرنگ را در پیشگیری از خشونت جنسی تأیید کرده‌اند. برای نمونه، پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که پیام‌های با تهدید بالا^۲ اثر معکوس ایجاد می‌کنند، در حالی که پیام‌های با تهدید پایین^۳ یا مبتنی بر انتخاب آزاد، نگرش‌های مثبت را تقویت می‌نمایند (Miller et al., 2007; Shen, 2015). این چارچوب همچنین با عوامل فرهنگی آمریکا (فردگرایی افراطی و حساسیت به کنترل خارجی) سازگار است و توضیح می‌دهد چرا برخی کمپین‌های حقوق بشری دولتی یا بین‌المللی در این کشور با مقاومت مواجه می‌شوند.

مدل مفهومی پژوهش بر اساس اصول بومرنگ چنین پیشنهاد می‌شود: ورودی: پیام‌های کمپین حقوق بشری (مستقیم/کنترل‌کننده (و در مقابل) غیرمستقیم/همدلی‌محور)؛ فرآیند: ادراک تهدید به آزادی → واکنش روانی → اثر بومرنگ یا حمایت مؤثر؛ خروجی: افزایش/کاهش حمایت از قربانیان و کاهش/افزایش انگ‌زنی به قربانی.

این مبانی نظری، با تمرکز انحصاری بر اصول علمی و تجربی نظریه بومرنگ، چارچوبی منسجم برای تحلیل مسئله ارائه می‌دهد و پایه‌ای برای یافته‌ها و پیشنهادهای عملی پژوهش است. محدودیت‌های این چارچوب شامل تمرکز بر مطالعات آزمایشگاهی موجود و نیاز به پژوهش‌های میدانی بیشتر در زمینه کمپین‌های واقعی حقوق بشری است، که می‌تواند در تحقیقات آتی پیگیری شود.

۳- روش‌شناسی

این پژوهش از رویکرد تحلیلی-تبیینی^۴ بهره می‌برد که بر پایه تحلیل ثانویه^۵ اسناد حقوق بشری،

^۱ Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women

^۲ high-threat messages

^۳ low-threat

^۴ analytical-explanatory approach

^۵ secondary analysis

گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و مطالعات موجود استوار است. هدف اصلی این رویکرد، تبیین پدیده واکنش‌های منفی به کمپین‌های حمایتی از قربانیان خشونت جنسی در ایالات متحده از منظر حقوق بشر است، بدون نیاز به جمع‌آوری داده‌های اولیه میدانی. تمرکز بر داده‌های موجود، امکان ترکیب مفاهیم روانشناختی-اجتماعی با چارچوب‌های حقوقی بین‌المللی را فراهم می‌کند و پژوهش را در حوزه مطالعات نظری حقوق بشر قرار می‌دهد. روش اصلی گردآوری داده، مرور نظام‌مند ادبیات^۱ است که بر اساس پروتکل‌های استاندارد مانند PRISMA^۲ اجرا شده تا جامعیت و تکرارپذیری آن تضمین شود.

پایگاه‌های داده مورد استفاده: جستجو در پایگاه‌های معتبر حقوقی و اجتماعی مانند HeinOnline (برای اسناد حقوقی و گزارش‌های حقوق بشر)، SSRN (برای مقالات پیش‌انتشار)، Google Scholar (برای دسترسی گسترده به مقالات آکادمیک) و JSTOR (برای منابع تاریخی و بین‌رشته‌ای) انجام شد. همچنین، گزارش‌های رسمی سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی مانند سازمان ملل متحد (UN)، عفو بین‌الملل،^۳ دیده‌بان حقوق بشر،^۴ RAINN، National Coalition Against Domestic Violence و Institute for Women's Policy Research به عنوان منابع ثانویه بررسی شدند.

روش تحلیل: تحلیل کیفی تماتیک^۵ با رویکرد استقرایی-قیاسی انجام شده است (Braun & Clarke, 2006). تم‌های اصلی شامل «عوامل واکنش‌های منفی»، «پیامدهای کمپین‌های حمایتی» و «راهکارهای مبتنی بر حقوق بشر» شناسایی و دسته‌بندی شدند.

این پژوهش بر داده‌های ثانویه متکی است و فاقد داده‌های اولیه میدانی (مانند مصاحبه یا نظرسنجی) است، که ممکن است عمق تجربی پژوهش را محدود کند. همچنین، تمرکز بر منابع انگلیسی‌زبان ممکن است برخی دیدگاه‌های محلی و بومی را نادیده بگیرد. این روش شناسی، با تأکید بر جامعیت و شفافیت، امکان تولید دانش معتبر در حوزه حقوق بشر و روانشناسی اجتماعی را فراهم می‌کند و پایه‌ای محکم برای یافته‌ها و پیشنهادهاى عملی مقاله ایجاد می‌نماید.

۴- یافته‌ها

تحلیل نظام‌مند ادبیات و گزارش‌های حقوق بشری نشان می‌دهد که پدیده واکنش‌های منفی به کمپین‌های حمایتی از قربانیان خشونت جنسی علیه زنان در ایالات متحده، در ابعاد مختلف این خشونت (تجاوز جنسی کامل و ناتمام، زن‌کشی، قاچاق انسان و تجارت جنسی، قطع اندام جنسی زنان و کودک‌همسری) ریشه در عوامل روانشناختی-اجتماعی و فرهنگی دارد. این یافته‌ها بر پایه بررسی بیش

^۱. Systematic Literature Review

^۲. Preferred Reporting Items for Systematic Reviews and Meta-Analyses

^۳. Amnesty International

^۴. Human Rights Watch

^۵. Thematic Analysis

از ۷۰ منبع ثانویه معتبر، از جمله مقالات داوری‌شده، گزارش‌های سازمان‌های غیردولتی و رسانه‌های تحلیلی مانند (RAINN, 2024; Reuters, 2022; Amnesty International, 2011)، به دست آمده‌اند و الگوهای مشترکی از کاهش حمایت اجتماعی، افزایش انگ‌زنی به قربانی و مقاومت فرهنگی را آشکار می‌سازند. عوامل اصلی این واکنش‌ها شامل پیام‌های اجباری و کنترل‌کننده، تأکید بیش از حد بر شیوع در پیام‌های هنجاری توصیفی، انگ‌زنی‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و فرهنگی، رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی، و واکنش در گروه‌های پرخطر است. در ادامه، این عوامل درون هر مصداق خشونت جنسی ادغام و با توضیحات مفصل تبیین می‌شوند، با تأکید بر مکانیسم‌های روانشناختی مانند واکنش روانی که منجر به تقویت نگرش‌های مخالف می‌شود (Brehm, 1966).

۴-۱- واکنش‌های منفی در تجاوز جنسی کامل و ناتمام

میلیون‌ها زن و دختر آمریکایی تجاوز جنسی را تجربه کرده‌اند. از هر ۶ زن آمریکایی، ۱ نفر مورد تجاوز کامل یا ناتمام قرار گرفته است (۱۴٫۸٪ تجاوز، ۲٫۸٪ در معرض تجاوز). در سال ۱۹۹۸، ۱۷٪ از زنان قربانی هر دو نوع تجاوز بوده‌اند. دختران ۱۸ تا ۲۴ ساله دانشجوی، ۳ برابر بیشتر در معرض خشونت جنسی‌اند. ۱۳٪ از قربانیان زن، اقدام به خودکشی کرده‌اند. تخمین‌ها نشان می‌دهد که در سال ۲۰۱۸، ۶٫۲٪ از زنان نظامی فعال، مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند (Rape, Abuse & Incest National Network, 2024).

در سال ۲۰۰۵، حدود ۱۱۸۱ زن توسط شریک جنسی کشته شدند و ۱٫۳٪ از قتل‌های زنان در آمریکا به این گروه مربوط است. سالانه ۴٫۸ میلیون زن قربانی آزار یا تجاوز جنسی می‌شوند. در ۲۰۰۶، حدود ۳۰۰ هزار زن قربانی شدند اما بیشتر موارد گزارش نمی‌شود. زنان جوان، محروم، اقلیت‌ها به‌ویژه زنان آفریقایی-آمریکایی و سرخ‌پوست، آسیب‌پذیرترند. در دانشگاه‌ها از هر ۵ زن، ۱ نفر قربانی تجاوز است، اما کمتر از ۵٪ موارد گزارش می‌شود (NOW Foundation, 2024). هر دقیقه ۲۴ نفر در آمریکا قربانی خشونت یا آزار جنسی توسط شریک جنسی خود هستند. ۲۹٪ زنان چنین تجربه‌ای داشته‌اند و ۱۴٫۸٪ از طرف شریک‌شان. بیشترین خشونت علیه زنان ۱۸ تا ۳۴ ساله رخ می‌دهد. ۷۸٫۸٪ آزار کلامی جنسی را تجربه کرده‌اند (NDVH, 2024).

عوامل اصلی در این مسأله عبارت‌اند از:

۱. پیام‌های اجباری و کنترل‌کننده: لحن دستوری در کمپین‌ها (مانند تأکید بر گزارش‌دهی اجباری) واکنش روانی ایجاد می‌کند و آزادی فردی را تهدید می‌نماید، که منجر به افزایش نگرش‌های منفی می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که این رویکردها در مردان پرخطر یا حتی کم‌خطر، اثر معکوس ایجاد کرده و تمایل به خشونت را افزایش می‌دهند (Malamuth et al., 2018).

۲. پیام‌های هنجاری توصیفی با تأکید بیش از حد بر شیوع: برجسته‌سازی آمارهای بالا (مانند «تجاوز

¹. descriptive normative messages

². psychological reactance

³. boomerang effect

بسیار رایج است) می‌تواند پدیده را عادی‌سازی کند و مقاومت ایجاد نماید، زیرا مخاطبان احساس می‌کنند رفتار نامطلوب به عنوان هنجار پذیرفته شده است (Spikes & Sternadori, Cialdini et al., 2006). (2018).

۳. نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و فرهنگی: نگرش‌های جنسیتی خصمانه‌کمپین‌ها را به عنوان تهدید به نقش‌های سنتی تفسیر می‌کنند و انگ‌زنی به قربانی را افزایش می‌دهند (Glick & Fiske, 1996). (Bosson et al., 2015).

۴. رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی: برنامه‌های فدرال مانند Title IX، اگر بدون همکاری محلی باشند، واکنش منفی ایجاد می‌کنند و حمایت را تضعیف می‌نمایند (DeGue et al., 2014).

۵. واکنش در گروه‌های پرخطر: در مردان با نگرش‌های منفی، پیام‌های مستقیم واکنش خصمانه^۲ ایجاد می‌کند و تمایل به خشونت را افزایش می‌دهد (Malamuth et al., 2018). این عوامل در کمپین‌های پیشگیری دانشگاهی مشاهده شده و منجر به کاهش گزارش‌دهی و افزایش انگ‌زنی اجتماعی شده‌اند.

۴-۲- واکنش‌های منفی در زن‌کشی^۳

قانون جزایی و کیفری جداگانه‌ای در ایالات متحده برای قتل‌های مربوط به جنسیت وجود ندارد و به همین علت آمار دقیقی درباره زن‌کشی در این کشور وجود ندارد. براساس گزارش اداره تحقیقات فدرال از میان ۴۹۷۰ قربانی زن، یک سوم آنها توسط شریک جنسی خود به قتل رسیده‌اند (Lewis & Kaslow, 2024). در میان کشورهای توسعه‌یافته، ۷۰٪ زن‌کشی‌های جهان در آمریکا رخ می‌دهد. روزانه ۳ زن آمریکایی توسط شریک جنسی خود کشته می‌شوند و زنان رنگین‌پوست، به‌ویژه سیاه‌پوستان و بوهمیان، در معرض خطر بیشتری هستند. ۹۴٪ قتل‌ها توسط شرکای جنسی انجام می‌شود و آمار زن‌کشی در آمریکا رو به افزایش است. زنانی که علاوه بر قتل، قربانی تجاوز و آزار جنسی هستند، هفت برابر بیشتر از کسانی هستند که تنها قربانی قتل شده‌اند (Sanctuary for Families, 2023).

براساس داده‌های اداره تحقیقات فدرال در بیشتر زن‌کشی‌ها ۲۰۱۸ (۹۲٪) میان قربانی و قاتل رابطه شخصی وجود داشته است. ۶۳٪ زنان توسط همسران فعلی، شوهر سابق و یا دوست پسر خود (شریک جنسی) به قتل رسیده‌اند (Hackman, 2021). سال ۲۰۲۰، ۲۵۷ زن توسط مردان مجرد در ایالت تگزاس کشته شده‌اند. کالیفرنیا با ۲۲۲ مورد، در رتبه دوم زن‌کشی قرار گرفته است (Statista Research Department, 2023).

این الگوها غالباً با کمپین‌های آگاهی‌رسانی همراه بوده‌اند که می‌توانند واکنش منفی ایجاد کنند. عوامل اصلی مؤثر در این واکنش‌ها عبارت‌اند از:

۱. پیام‌های اجباری و کنترل‌کننده: کمپین‌های تصویری تمرکز بر قربانیان، احساس تهدید به

¹ Hostile Sexism

² Hostility Reactance

³ Femicide

⁴ Fbi

نقش‌های سنتی ایجاد می‌کنند و نگرش‌های مخالف را تقویت می‌نمایند (Bosson et al., 2015)؛
(Piotrowicz et al., 2020).

۲. پیام‌های هنجاری توصیفی با تأکید بیش از حد بر شیوع؛ تأکید بر آمار بالا می‌تواند عادی‌سازی
خشونت ایجاد کند و تغییر هنجارها را به تأخیر اندازد (Cialdini et al., 2006).

۳. نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و فرهنگی؛ نگرش‌های جنسیتی خصمانه، کمپین‌ها را به عنوان
حمله فرهنگی تلقی می‌کنند و مقاومت ایجاد می‌نمایند (Glick & Fiske, 1996)؛ (Liem, 2025).

۴. رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی؛ برنامه‌های پیشگیری بدون همکاری محلی،
می‌تواند اثرات معکوس داشته باشد و شدت پیامدهای مرگ آفرین را افزایش دهد (DeGue et al.,
2014).

۵. واکنش در گروه‌های پرخطر؛ در افراد با نگرش‌های منفی، پیام‌های مستقیم واکنش خصمانه ایجاد
می‌کند و حمایت را کاهش می‌دهد (Brehm, 1966).

این عوامل در کمپین‌های ضدخشونت خانگی مشاهده شده و منجر به افزایش قتل‌های مرتبط با
جدایی شده‌اند.

۴-۳- واکنش‌های منفی در قاچاق انسان و تجارت جنسی

قاچاق جنسی با بیش از ۲۴۰ هزار قربانی و افزایش موارد آنلاین همراه است (DeliverFund, 2024)؛
(Institute for Women's Policy Research, 2024). کمپین‌های آگاهی‌رسانی اغلب با واکنش منفی مواجه
می‌شوند. مطالعه وزارت بهداشت و خدمات انسانی آمریکا تخمین می‌زند که بین ۲۴۰ تا ۳۲۵ هزار زن
و دختر قربانی برده‌داری جنسی هستند، هرچند ارائه آمار دقیق دشوار است. این نوع برده‌داری عمدتاً از
طریق قاچاق زنان و کودکان صورت می‌گیرد و قاچاقچیان با تسلط فیزیکی و روانی، قربانیان را وادار به
تن‌فروشی می‌کنند. برخی برای بقا مجبور به اطاعت می‌شوند، در حالی که برخی دیگر توسط اعضای
خانواده مورد آزار جنسی یا ازدواج اجباری قرار می‌گیرند. با رشد اینترنت و صنعت پورنوگرافی، قاچاق
جنسی افزایش یافته است. قربانیان یا برای تولید محتوای جنسی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند یا از
طریق شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک^۱ به تن‌فروشی واداشته می‌شوند. همچنین، رویدادهای ورزشی
و گردشگری بزرگ، مانند لیگ فوتبال آمریکا^۲ در ۲۰۱۰ و جام جهانی ۲۰۱۴، فرصت‌هایی سودآور
برای قاچاقچیان ایجاد کرده‌اند (DeliverFund, 2024).

کودکان و نوجوانان به دلیل رشد ناکافی شخصیتی، آسیب‌پذیر در برابر قاچاق انسان هستند و معمولاً
قربانی بی‌خانمانی، سوءاستفاده جنسی و بهره‌کشی آنلاین می‌شوند. این آسیب‌ها مشکلات جسمی و
روانی ایجاد می‌کند. در مطالعه‌ای روی هزار جوان (در ۶ ایالت)، ۶۰٪ قربانیان دختر بودند. کودکان به
دلیل رشد ناکافی، به راحتی فریب خورده و طعمه صنعت پورنوگرافی می‌شوند و بسیاری در بزرگسالی
نیز در این صنعت باقی می‌مانند. قاچاق جنسی کودکان در تمام ۵۰ ایالت آمریکا اتفاق می‌افتد، اما آمار

^۱. Facebook

^۲. Super Bowl

دقیقی وجود ندارد. بیشترین موارد در سال ۲۰۱۹ در کالیفرنیا، تگزاس، فلوریدا و نیویورک گزارش شد. قوانین ناکافی آمریکا نتوانسته از قربانیان محافظت یا قاچاقچیان را به طور مؤثر تحت پیگرد قرار دهد (Brown, 2021).

قاچاق و تجارت جنسی منجر به کودک آزاری جدی می شود. سالانه حدود ۷۰۰ هزار کودک مورد آزار جنسی، جسمی و عاطفی قرار می گیرند. همچنین، ۳ میلیون نوجوان و جوان بی خانمان، از هر ۵ نفر، ۱ نفر قربانی قاچاق انسان هستند. رسانه های اجتماعی به ابزاری برای قاچاقچیان تبدیل شده اند تا کودکان زیر ۱۵ سال را شکار کنند. برای مثال، در تحقیقی بین سال های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ روی ۸۴۵ قربانی، مشخص شد که ۲۵۰ نفر از طریق فیس بوک، ۱۲۰ نفر از طریق سایت های دوست یابی، ۷۸ نفر از طریق اینستاگرام^۱ و ۴۸۹ نفر دیگر از طریق پلتفرم های مختلف شکار شده اند (Brown, 2021). در سال ۲۰۱۸، ۵۱٫۶٪ از پرونده های قاچاق انسان در ایالات متحده مربوط به قاچاق جنسی کودکان بود. قربانیان عمدتاً دختران فراری ۱۲ تا ۱۴ ساله بودند که اغلب توسط افراد آشنا قاچاق می شدند. آن ها به طور متوسط ۹۰ دلار در ماه مجبور به فعالیت جنسی می شدند. بیشتر این موارد در هتل ها، صفحات اینترنتی و شبکه های اجتماعی رخ می داد و کمتر از ۱۰٪ قربانیان ربوده شده بودند (Waters, 2023).

عوامل اصلی در پدیدار شدن این حوادث عبارت اند از:

۱. پیام های اجباری و کنترل کننده: کمپین های تقاضامحور، آزادی فردی را تهدید می کنند و رفتار نامطلوب را افزایش می دهند (Freedom Fund, 2019؛ O'Brien, 2016).
۲. پیام های هنجاری توصیفی با تأکید بیش از حد بر شیوع: برجسته سازی آمار، عادی سازی ایجاد می کند و حمایت را کاهش می دهد (Cialdini et al., 2006).
۳. نگرش های تبعیض آمیز جنسیتی و فرهنگی: نگرش های جنسیتی، کمپین ها را به عنوان تهدید تلقی می کنند (Baker, 2017).
۴. رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی: کمپین های فدرال بدون همکاری محلی، واکنش معکوس ایجاد می کنند و منابع را منحرف می نمایند (Acharya, 2016).
۵. واکنش در گروه های پرخطر: پیام های مستقیم، واکنش خصمانه ایجاد می کند و انگ زنی اجتماعی را افزایش می دهد (Acharya, 2016). این عوامل منجر به انکار عمومی مشکل و کاهش گزارش دهی شده اند.

۴-۴- واکنش های منفی در قطع اندام جنسی زنان^۲

براساس مطالعات سال ۲۰۱۳، بیش از ۵۰۷ هزار دختر آمریکایی قربانی قطع اندام جنسی (ختنه) و یا در معرض آن قرار داشته اند. این رقم نسبت به آمار سال ۲۰۰۰، بیش از دو برابر بوده است. تعداد زنان و دختران در معرض این آسیب، ایالت به ایالت متفاوت است. سه پنجم دختران و زنان آسیب دیده و یا در معرض آسیب، بنابر تحقیقات سال ۲۰۱۳، در ۸ ایالت ساکن بوده اند، از جمله کالیفرنیا، نیویورک، واشنگتن و مینه سوتا. بر طبق آمار، کالیفرنیا، نیویورک و مینه سوتا در صدر جدول قرار دارد (Mather

^۱. Instagram

^۲. Female Genital Mutilation (FGM)

(Feldman & Feldman, 2016). از سال ۱۹۹۰ تعداد دخترانی که تحت عمل قطع اندام جنسی قرار گرفته‌اند، به بیش از سه برابر رسیده است. با این وجود تنها در ۲۵ ایالت، قوانینی در جهت حمایت و مراقبت از دختران و زنان در مقابل این جرم، تصویب شده است (Krupa, 2017). بیش از ۵۰۷ هزار دختر در معرض قطع اندام جنسی هستند (Mather & Feldman, 2016) اما کمپین‌های ضد این رفتار اغلب با مقاومت فرهنگی مواجه می‌شوند.

عوامل اصلی در وقوع این واکنش‌ها عبارت‌اند از:

۱. پیام‌های اجباری و کنترل‌کننده: کمپین‌ها عمل را مخفیانه می‌کنند و مقاومت ایجاد می‌نمایند (STRIVE, 2017; IPS, 2009).
۲. پیام‌های هنجاری توصیفی با تأکید بیش از حد بر شیوع: تأکید بر شیوع، رفتار را افزایش می‌دهد (STRIVE, 2017).
۳. نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و فرهنگی: کمپین‌ها به عنوان تهدید فرهنگی تلقی می‌شوند (Keck & Sikkink, 1998).
۴. رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی: قوانین ضد قطع اندام جنسی بدون همکاری محلی، اثر معکوس ایجاد می‌کنند (McKinley, 2009).
۵. واکنش در گروه‌های پرخطر: پیام‌های مستقیم، اثر معکوس ایجاد می‌کند (UNFPA, 2019). این عوامل موجب تداوم عمل به صورت غیر قانونی و زیرزمینی می‌شود.

۴-۵- واکنش‌های منفی در کودک‌همسری

بین سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ هزار کودک در آمریکا مجبور به ازدواج شده‌اند (Valencia, 2020). در ۳۸ ایالت آمریکا ازدواج کودکان قانونی است و نزدیک به ۳۰۰ هزار کودک بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ ازدواج کرده که در اغلب این ازدواج‌ها، مردان بسیار مسن‌تر از کودکان بوده‌اند (O'Connell, 2023); (Equality Now, 2023). براساس تحقیقات انجام شده، کودکانی که در آمریکا مجبور به ازدواج می‌شوند با مشکلاتی چون نرخ بالای ترک تحصیل، مبتلا شدن به بیماری‌های جسمی و روحی و روانی، آمار بالای طلاق تا ۸۰٪ در ازدواج کودک‌همسری، فقر فراوان و آسیب‌پذیری بالا در مقابل خشونت مواجه می‌شوند (Reiss, 2021). بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ بیش از ۲۰۰ هزار مورد کودک‌همسری رخ داده است (Equality Now, 2023). برنامه‌ها و کمپین‌های پیشگیری از این پدیده اغلب با مقاومت مواجه می‌شوند.

عوامل اصلی مؤثر بر این مقاومت عبارت‌اند از:

۱. پیام‌های اجباری و کنترل‌کننده: کمپین‌ها و پیام‌های اجباری یا کنترل‌کننده، به جای تقویت پذیرش و همراهی، ممکن است موجب کاهش حمایت مخاطبان از ممنوعیت شوند و اثر معکوس ایجاد کنند (Academia.edu, 2023).
۲. پیام‌های هنجاری توصیفی با تأکید بیش از حد بر شیوع: تأکید بر شیوع ممکن است واکنش معکوس در مخاطبان ایجاد کند و اثر بازگشتی به همراه آورند، به‌جای آن که رفتارهای مطلوب

اجتماعی یا حقوقی را تقویت نمایند (STRIVE, 2017).

۳. نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و فرهنگی: نگرش‌های جنسیتی و فرهنگی مبتنی بر تبعیض، ممکن است واکنش‌های مقاومتی در برابر تغییرات مرتبط با برابری جنسیتی به همراه داشته باشند و اجرای برنامه‌های اصلاحی را با چالش مواجه کنند (Redd Barna, 2022).

۴. رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی: برنامه‌ها و سیاست‌های دولتی که بدون همکاری و مشارکت فعال جامعه مدنی طراحی و اجرا شوند، می‌توانند اثر معکوس^۱ به همراه داشته باشند و به جای تحقق اهداف مورد نظر، نتایج ناخواسته ایجاد کنند. (Young & Rocque, 2020).

۵. پیام‌های مستقیم، هنگامی که به گروه‌های پرخطر ارائه می‌شوند، ممکن است واکنش خصمانه^۲ ایجاد کنند و اثر مطلوب برنامه‌های آموزشی یا پیشگیری را کاهش دهند (The Decision Lab, 2023).

این عوامل می‌توانند اثربخشی قوانین را تضعیف کرده و اجرای آنها را با چالش مواجه سازند. در نهایت، یافته‌ها ضرورت بازنگری و اصلاح کمپین‌ها را برای افزایش کارایی، ارتقای همدلی و همسویی با اصول حقوق بشر را برجسته می‌سازند.

۵- راهکارهای جلوگیری از اثر بومرنگ در حمایت از قربانیان خشونت جنسی

برای جلوگیری از اثر بومرنگ در کمپین‌های حمایتی و برنامه‌های پیشگیری از خشونت جنسی که می‌تواند منجر به تقویت نگرش‌های منفی، انگ‌زنی به قربانی یا کاهش حمایت اجتماعی شود، باید بر پایه نظریه واکنش روانی عمل کرد (Brehm, 1966). این نظریه تأکید بر این مطلب دارد که پیام‌های تهدیدکننده آزادی فردی یا فرهنگی، مقاومت ایجاد کرده و اثر معکوس به بار می‌آورند (Wicklund, 1974). در مورد ایالات متحده، جایی که کمپین‌هایی مانند MeToo یا برنامه‌های پیشگیری دانشگاهی گاهی واکنش منفی پس‌زنی ایجاد کرده‌اند (Malamuth et al., 2018)، راهکارهای علمی زیر می‌توانند به تقویت حمایت مؤثر از بازماندگان بینجامند، بی‌آنکه واکنش‌های روانی منفی برانگیزند. این راهکارها مبتنی بر متاآنالیزها^۳ و پژوهش‌های تجربی در حوزه‌های ارتباطات، روان‌شناسی اجتماعی و حقوق بشر هستند و با اصول بنیادین حقوق بشر جهانی (از جمله کرامت انسانی و نقش مشارکت جامعه مدنی، آن‌گونه که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ تصریح شده است) همخوانی دارند. هدف از این رویکرد، طراحی پیام‌هایی است که احساس تهدید نسبت به آزادی‌های فردی را کاهش دهد و در عوض، همدلی و مشارکت داوطلبانه را تقویت کند (Xu & Quick, 2024).

۵-۱- استفاده از پیام‌های غیر اجباری و ارائه گزینه‌ها^۴

یکی از مؤثرترین راهکارها، اجتناب از زبان دستوری یا قاطع (مانند «باید گزارش کنید» یا «این کار

¹ Backfire Effect

² hostility reactance

³ psychological reactance theory

⁴ Meta-analysis

⁵ Non-Directive Messaging and Autonomy Support

ممنوع است») و جایگزینی آن با پیام‌های ظریف که گزینه‌های متعدد ارائه می‌دهند، است. این رویکرد، احساس تهدید به استقلال فردی را کاهش می‌دهد و واکنش روانی را به حداقل می‌رساند (Viemina, 2023). در برنامه‌های پیشگیری از خشونت جنسی، مانند RealConsent، ارائه گزینه‌های داوطلبانه برای دخالت ناظران به جای دستورات مستقیم، حمایت را افزایش داده و از اثر بومرنگ جلوگیری کرده است (Salazar et al., 2014). این راهکار، با تأکید بر احترام به آزادی فردی در کمپین‌های حقوق بشری علیه قاچاق انسان یا کودک‌همسری نیز کاربرد دارد، جایی که پیام‌های کنترل‌گر می‌توانند مقاومت فرهنگی ایجاد کنند.

۵-۲- تمرکز بر همدلی، صبر و داستان‌گویی شخصی^۲

پیام‌ها باید با همدلی و صبر طراحی شوند به گونه‌ای که داستان‌های شخصی بازماندگان را برجسته سازد تا مخاطبان احساس ارتباط عاطفی کنند و نه تهدید. این روش، واکنش روانی را کاهش می‌دهد چرا که در آن تمرکز بر تجربیات واقعی است نه دستورات (PsychoTricks, 2024). در حوزه زن‌کشی و تجاوز جنسی، مطالعات نشان می‌دهد که بهره‌گیری از روایت‌های شخصی (نظیر جنبش MeToo) می‌تواند همدلی را افزایش دهد و اثر بومرنگ را در مردان پرخطر کاهش دهد (Shen, 2021). از منظر حقوق بشر، این رویکرد با گزارش‌های سازمان ملل در مورد خشونت جنسیتی همخوانی دارد، زیرا مشارکت جامعه مدنی را بدون تحمیل خارجی، ترویج می‌کند.

۵-۳- ادغام هنجارهای دستوری و ارزیابی مخاطبان^۳

برای جلوگیری از اثر بومرنگ، از هنجارهای دستوری (پیام‌هایی که رفتار مطلوب را تأیید می‌کنند، مانند «اکثر مردم حمایت می‌کنند») به جای توصیفی (که شیوع مشکل را برجسته می‌کنند) استفاده کنید. این روش، در کمپین‌های پایداری، اثر بومرنگ را خنثی کرده است (Schultz et al., 2007). در برنامه‌های پیشگیری از خشونت جنسی، تقسیم مخاطبان بر اساس ریسک (مانند مردان کم‌خطر در مقابل پرخطر) و سفارشی‌سازی پیام‌ها، اثر معکوس را کاهش می‌دهد (Spikes & Sternadori, 2018). این راهکار، در زمینه قطع اندام جنسی زنان یا قاچاق انسان، می‌تواند مقاومت فرهنگی را با تمرکز بر هنجارهای اجتماعی مثبت مدیریت کند.

۵-۴- مشارکت جامعه مدنی و رویکردهای مشارکتی^۴

کمپین‌ها باید بدون رویکردهای دولتی اجباری با مشارکت جامعه مدنی طراحی شوند تا احساس «تحمیل خارجی» ایجاد نشود. این روش، در شبکه‌های حمایتی بین‌المللی اثر بومرنگ را کاهش داده است (Keck & Sikkink, 1998). در ایالات متحده، برنامه‌های آموزشی مانند Title IX، وقتی با مشارکت محلی ترکیب شوند، واکنش منفی را کاهش و حمایت از قربانیان را افزایش می‌دهند (DeGue et al., 2014).

¹ bystander intervention

² Empathy-Based and Narrative Approaches

³ Incorporating Injunctive Norms and Audience Segmentation

⁴ Community Involvement and Collaborative Strategies

از منظر حقوق بشر، این راهکار با اصول کنوانسیون حذف تبعیض علیه زنان همخوانی دارد و در تمام ابعاد خشونت جنسی (مانند زن‌کشی یا کودک‌همسری) کاربرد دارد.

۵-۵- ارزیابی مستمر و بازخورد^۱

طراحی کمپین‌ها باید شامل ارزیابی پیش‌تستی و بازخورد مستمر باشد تا عوامل واکنش روانی شناسایی و اصلاح شوند. متا‌آنالیزها نشان می‌دهند که این رویکرد، اقبال‌پذیری را افزایش می‌دهد (Xu & Quick, 2024). در برنامه‌های پیشگیری از خشونت جنسی، آزمایش پیام‌ها بر روی گروه‌های کوچک، اثر بومرنگ را در مردان پرخطر جلوگیری کرده است (Malamuth et al., 2018). این راهکار، تضمین می‌کند که کمپین‌های حقوق بشری پایدار و مؤثر باقی بمانند. در نهایت، این راهکارها، با کاهش واکنش روانی، حمایت پایدار از قربانیان خشونت جنسی را تقویت می‌کنند و نقض حقوق بشر را کاهش می‌دهند. اجرای چنین راهکارهایی نیازمند ترکیب روانشناسی اجتماعی با چارچوب‌های حقوقی است تا اثر بومرنگ به حداقل برسد (Regia Marinho, 2024).

نتیجه‌گیری

این پژوهش، با رویکرد تحلیلی-تبیینی و بر پایه مرور نظام‌مند ادبیات و تحلیل ثانویه گزارش‌های حقوق بشری، به بررسی کاربرد نظریه بومرنگ در تبیین واکنش‌های منفی به کمپین‌های حمایتی از قربانیان خشونت جنسی علیه زنان در ایالات متحده پرداخت. یافته‌ها نشان داد که علی‌رغم گستردگی کمپین‌های حقوق بشری و پیشرفت‌های حقوقی، پدیده کاهش حمایت اجتماعی، افزایش انگ‌زنی به قربانی و واکنش برگشتی فرهنگی^۲ در ابعاد مختلف خشونت جنسی (تجاوز کامل و ناتمام، زن‌کشی، قاچاق انسان و تجارت جنسی، قطع اندام جنسی زنان و کودک‌همسری) همچنان ادامه دارد. این واکنش‌های منفی، عمدتاً ریشه در عوامل روانشناختی-اجتماعی مشترک دارند: پیام‌های اجباری و کنترل‌کننده که آزادی فردی را تهدید می‌کنند، تأکید بیش از حد بر شیوع در پیام‌های هنجاری توصیفی که پدیده را عادی‌سازی می‌نماید، نگرش‌های تبعیض‌آمیز جنسیتی و فرهنگی که کمپین‌ها را به عنوان تهدید تفسیر می‌کنند، رویکردهای دولتی بدون مشارکت جامعه مدنی که احساس تحمیل خارجی ایجاد می‌نماید و واکنش‌های خصمانه در گروه‌های پرخطر که واکنش خصمانه را تشدید می‌کند (Brehm, 1966; Cialdini et al., 2006; Glick & Fiske, 1996; Malamuth et al., 2018).

این عوامل، که در تمام مصادیق خشونت جنسی مشاهده شدند، نه تنها حمایت اجتماعی و حقوقی از قربانیان را تضعیف می‌کنند، بلکه می‌توانند نقض فاحش حقوق بشر از جمله کرامت انسانی، عدم تبعیض و حق حمایت مؤثر مطابق با اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ و کنوانسیون CEDA را تداوم بخشند. آمارهای نگران‌کننده مانند شیوع تجاوز جنسی در یک ششم زنان آمریکایی (RAINN, 2024)، زن‌کشی روزانه سه زن (Reuters, 2022) و قاچاق گسترده جنسی (DeliverFund, 2024) نشان می‌دهند

^۱ Continuous Evaluation and Feedback Loops

^۲ cultural backlash

که کمپین‌های فعلی، بدون توجه به پویایی‌های واکنش روانی گاهی به جای کاهش خشونت، مقاومت فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌کنند و گزارش‌دهی را کاهش می‌دهند. پیامدهای نظری این پژوهش در ادغام موفق نظریه واکنش روانی با چارچوب‌های حقوق بشر نهفته است که امکان تبیین پدیده‌های متناقض در کمپین‌های حمایتی را فراهم می‌سازد. این رویکرد، فراتر از تحلیل‌های توصیفی پیشین مانند گزارش‌های (National Coalition Against Domestic Violence, 2024) و (Institute for Women's Policy Research, 2024) به درک عمیق‌تر مکانیسم‌های روانشناختی نهفته در واکنش‌های منفی کمک می‌نماید و چارچوب مفهومی جدیدی برای مطالعات بین‌رشته‌ای حقوق بشر و روانشناسی اجتماعی پیشنهاد می‌دهد.

پیامدهای عملی نیز قابل توجه است: یافته‌ها، ضرورت بازنگری اساسی در طراحی کمپین‌های حقوق بشری را برجسته می‌سازند. پیشنهاد می‌شود رویکردهایی مبتنی بر پیام‌های غیراجباری، همدلی و داستان‌گویی شخصی مانند MeToo و RealConsent (Salazar et al., 2014; Fileborn & Loney-Howes, 2019)؛ ادغام هنجارهای دستوری مانند Green Dot (Coker et al., 2017)؛ مشارکت گسترده جامعه مدنی مانند Bringing in the Bystander (Banyard et al., 2007) و ارزیابی مستمر پیش‌تستی اتخاذ شود. این راهکارها، با کاهش تهدید به آزادی و افزایش مشارکت داوطلبانه، می‌توانند حمایت پایدار از قربانیان را تقویت کنند و نقض حقوق بشر را به طور مؤثر کاهش دهند.

پیشنهاد‌های پژوهشی آینده شامل اجرای مطالعات ترکیبی با جمع‌آوری داده‌های اولیه میدانی در ایالات متحده است تا اثربخشی راهکارهای پیشنهادی در زمینه‌های فرهنگی متفاوت ارزیابی شود. همچنین، بررسی تطبیقی با کشورهای دیگر می‌تواند تعمیم‌پذیری یافته‌ها را افزایش دهد. در مجموع، این پژوهش تأکید می‌کند که تقویت حمایت از قربانیان خشونت جنسی نیازمند گذار از کمپین‌های تهاجمی به رویکردهای همدلانه، مشارکتی و مبتنی بر شواهد روانشناختی است تا اصول جهانی حقوق بشر به طور واقعی تحقق یابد و چرخه خشونت و واکنش‌های منفی شکسته شود.

References

1. Amnesty International. (2011). Violence against women is a U.S. problem, too. *Amnestyusa*. June 11. at <https://www.amnestyusa.org/updates/violence-against-women-is-a-u-s-problem-too>
2. Banyard, V. L., Moynihan, M. M., & Plante, E. G. (2007). *Sexual Violence Prevention Through Bystander Education*. *Journal of Community Psychology*. 35(4), 463–481. <https://doi.org/10.1002/jcop.20159>
3. Bessarabova, E., Mitchell, K. J., Finkelhor, D., & Wolak, J. (2015). Reducing Psychological Reactance in Sexual Assault Prevention Messages. *Health Communication*. 30(6), 566–575. <https://doi.org/10.1080/10410236.2014.974131>

4. Bohm, D. (1980). *Wholeness and the Implicate Order* (pp. 11–15). London: Routledge.
5. Brehm, J. W. (1966). *A Theory of Psychological Reactance*. New York, NY: Academic Press.
6. Brehm, S. S., & Brehm, J. W. (1981). *Psychological Reactance: A Theory of Freedom and Control*. New York, NY: Academic Press.
7. Brown, R. (2021). Sex Trafficking of Youth in the United States. *Ballard Center*. at: <https://ballardbrief.byu.edu/issue-briefs/sex-trafficking-of-youth-in-the-united-states>
8. Cialdini, R. B., Demaine, L. J., Sagarin, B. J., Barrett, D. W., Rhoads, K., & Winter, P. L. (2006). Managing Social Norms for Persuasive Impact. *Social Influence*. 1(1), 3–15. <https://doi.org/10.1080/15534510500181459>
9. Coker, A. L., Cook-Craig, P. G., Williams, C. M., Fisher, B. S., Clear, E. R., Garcia, L. S., Hegge, L. M., & Brancato, C. J. (2017). Evaluation of Green Dot: An Active Bystander Intervention to Reduce Sexual Violence on College Campuses. *Violence against Women*. 23(8), 1008–1030. <https://doi.org/10.1177/1077801216649607>
10. DeGue, S., Valle, L. A., Holt, M. K., Massetti, G. M., Matjasko, J. L., & Tharp, A. T. (2014). A Systematic Review of Primary Prevention Strategies for Sexual Violence Perpetration. *Aggression and Violent Behavior*. 19(4), 346–362. <https://doi.org/10.1016/j.avb.2014.05.004>
11. Deliver Fund. (2024). Facts About Human Trafficking in the US. *Deliverfund*. at <https://deliverfund.org/blog/facts-about-human-trafficking-in-united-states>
12. Druscovich, M., & Caspani, M. (2022). America's Deadly Epidemic: Violence against Women. *Reuters*. July 20. at: <https://www.reuters.com/world/us/americas-deadly-epidemic-violence-against-women-2022-07-20>
13. Equality Now. (2023). Child Marriage in the United States. *Equality Now*. at: https://equalitynow.org/what-we-do/womens-rights-around-the-world/womens-rights-in-north-america/child_marriage_us
14. Fileborn, B., & Loney-Howes, R. (2019). *MeToo and the Politics of Social Change*. Palgrave Macmillan.
15. Ghavami Pour Sereshkeh, M. and Mahmoudi, A. (2024). Challenges to the LGBTQ Community within the Framework of Islamic Law and Human Rights. *International Studies Journal (ISJ)*, 20(4), 111-133. doi: 10.22034/isj.2024.406271.2038 **(In Persian)**
16. Glick, P., & Fiske, S. T. (1996). The Ambivalent Sexism Inventory. *Journal of Personality and Social Psychology*. 70(3), 491–512. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.70.3.491>
17. Hackman, R. (2021). Femicides in the US: The Silent Epidemic Few Dare to Name. *The Guardian*. September 26. at <https://www.theguardian.com/us-news/2021/sep/26/femicide->

- us-silent-epidemic
18. Institute for Women's Policy Research. (2024). Status of Women in the United States. *Institute for Women's Policy Research*. at <https://iwpr.org>
 19. Keck, M. E., & Sikkink, K. (1998). *Activists Beyond Borders: Advocacy Networks in International Politics*. Cornell University Press.
 20. Krupa, M. (2017). The Alarming Rise of Female Genital Mutilation in America. *CNN News*. July 14. at <https://edition.cnn.com/2017/05/11/health/female-genital-mutilation-fgm-explainer-trnd/index.html>
 21. Lewis, P. C., Kaslow, N. J., Cheong, Y. F., Evans, D. P., & Yount, K. M. (2024). Femicide in the United States: A Call for Legal Codification and National Surveillance. *Frontiers in Public Health*. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2024.1338548>
 22. Malamuth, N. M., Huppim, M., & Linz, D. (2018). Sexual Assault Interventions May Be Doing More Harm than Good with High-Risk Males. *Aggression and Violent Behavior*, 41, 20-24, <https://doi.org/10.1016/j.avb.2018.05.010>
 23. Marinho, R. (2024). The Boomerang Effect: Understanding Social Psychology. *Medium*. November 26. at: <https://regia-marinho.medium.com/the-boomerang-effect-understanding-social-psychology-ee9b732d2a51>
 24. Mather, M., & Feldman, C. (2016). Women and Girls at Risk of Female Genital Mutilation Cutting in the United States. *Population Reference Bureau*. February 6. at: <https://www.prb.org/resources/women-and-girls-at-risk-of-female-genital-mutilation-cutting-in-the-united-states/>
 25. National Coalition Against Domestic Violence. (2024). The National Statistics Domestic Violence Fact Sheet. *National Coalition Against Domestic Violence*. at <https://ncadv.org/statistics>
 26. National Organization for Women Foundation. (2024). Violence against Women in the United States: Statistics. *National Organization for Women Foundation*. at: <https://now.org/resource/violence-against-women-in-the-united-states-statistic>
 27. O'Connell-Domenech, A. (2023). Child Marriage is Still Legal in Most of the U.S. — Here's Why. *The Hill*. October 30. at: <https://thehill.com/changing-america/respect/equality/4283941-child-marriage-is-still-legal-in-most-of-the-u-s-here-s-why>
 28. Quick, B. L., Shen, L., & Dillard, J. P. (2012). Reactance Theory and Persuasion. In J. P. Dillard & L. Shen (Eds.), *The SAGE Handbook of Persuasion: Developments in Theory and*

- Practice* (pp. 167–183). Thousand Oaks, CA: SAGE Publishing. <https://doi.org/10.4135/9781452218410.n11>
29. Rape, Abuse & Incest National Network. (2024). Victims of Sexual Violence: Statistics. Rape, Abuse & Incest National Network. at: <https://www.rainn.org/statistics/victims-sexual-violence>
 30. Reiss, F. (2021). Child Marriage in the United States: Prevalence and Implications. *Journal of Adolescent Health*. 69(6Supplement), S8–S10. at: <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2021.07.001>
 31. Reuters. (2022). The Wider Image: America’s Deadly Epidemic: Violence against Women. *Reuters Connect*. July 19. at: <https://www.reutersconnect.com/item/the-wider-image-americas-deadly-epidemic-violence-against-women/dGFnOnJldXRlcnMuY29tLDIwMjA6bmV3c21sX1JDMkVZRTkwUUUVORA>
 32. Salazar, L. F., Vivolo-Kantor, A., Hardin, J., & Berkowitz, A. (2014). A Web-Based Sexual Violence Bystander Intervention for Male College Students: Randomized Controlled Trial. *Journal of Medical Internet Research*. 16(9), e203. <https://doi.org/10.2196/jmir.3426>
 33. Sanctuary for Families. (2023). The Silent Epidemic of Femicide in the United States. at: <https://sanctuaryforfamilies.org/femicide-epidemic>
 34. Schultz, P. W., Nolan, J. M., Cialdini, R. B., Goldstein, N. J., & Griskevicius, V. (2007). The Constructive, Destructive, and Reconstructive Power of Social Norms. *Psychological Science*. Vol. 18(5), 429–434. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9280.2007.01917.x>
 35. Shen, L. (2021). Reducing Psychological Reactance to Health Promotion Messages: Comparing Preemptive Empathy and Self-Affirmation. *Health Communication*. 36(13), 1735–1745. <https://doi.org/10.1080/10410236.2020.1826883>
 36. Spikes, C., & Sternadori, M. (2018). Boomerang Effects of Sexual-Violence Prevention Messages on College Men’s Attitudes. *Building Healthy Academic Communities Journal*. 2(2), 45–57. <https://doi.org/10.18061/bhac.v2i2.6583>
 37. Statista Research Department. (2023). Number of Women Murdered by Men in Single Offender/Single Victim Homicides in the United States in 2020, by State. at: <https://www.statista.com/statistics/327462/women-murdered-by-men-united-states>
 38. Status of Women in the United States. (2024). Violence & Safety. <https://statusofwomendata.org/explore-the-data/violence-safety/>
 39. Valencia, M. (2020). ‘Trapped’: The American Women and Girls Forced into Marriage. *Al Media Network*. December 24. at <https://www.aljazeera.com/features/2020/12/24/american-women-and-girls-forced-into-marriage>
 40. Viemina. (2023). How to Avoid Boomerang Effect? '7 Tips'. *Viemina*. at:

<https://viemina.com/how-to-avoid-boomerang-effect-7-tips/>

41. Waters, E. (2023). U.S. Is a Top Destination for Child Sex Trafficking, and It's Happening in Your Community. *The Heritage Foundation*. Jul 27. at: <https://www.heritage.org/crime-and-justice/commentary/us-top-destination-child-sex-trafficking-and-its-happening-your>
42. Wicklund, R. A. (1974). *Freedom and Reactance*. Potomac, MD: Lawrence Erlbaum Associates.
43. Xu, J., & Quick, B. L. (2024). Message Effects on Psychological Reactance: Meta-Analyses. *Human Communication Research*. doi:10.1093/hcr/hqaf016.